

Social Capital and Poor Communities, Russell Sage Foundation, New York, pp. 1-28.

Wood, Lisa *et al.* (2008), "The anatomy of the safe and social suburb: An exploratory study of the built environment, social capital and residents perceptions of safety", *Elsevier Health a Place* 14 15-31.

Yamamura, E. (2007), "The effects of inequality, fragmentation, and social capital on collective action in a homogeneous society: Analyzing responses to the 2005 Japan Census", *Elsevier The Journal of Socio-Economics*.

Zhao, Yandong, (2002), "Measuring the social capital of laid-off Chinese workers", *Current Sociology* 50 (7), 555-557.

خدارحم بزی، عضو هیأت علمی دانشگاه زابل است (نویسنده مسئول). .kh_bazi@yahoo.com

اکبر کیانی، عضو هیأت علمی دانشگاه زابل است. kianiakbar@yahoo.com
یاسین حنیفی اصل، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری است.
امیر راضی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری است.

میزان جهت‌گیری عام‌گرایانه و عوامل اقتصادی و...

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره 2

میزان جهت‌گیری عام‌گرایانه و عوامل اقتصادی و اجتماعی

مؤثر بر آن در شهر یاسوج

اصغر میرفردی

چکیده: جهت‌گیری ارزشی افراد يك جامعه نمادی از زیربنای فکری آن جامعه می‌باشد.

این پژوهش به بررسی جهت‌گیری عام‌گرایانه در شهر یاسوج —مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد— می‌پردازد. هدف اصلی

از این بررسی، شناخت وضعیت جهت‌گیری عام‌گرایانه در جامعه مورد مطالعه و عوامل اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار بر آن است. مطالعه به‌شیوه پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده است. جمعیت آماری پژوهش، افراد 15 سال و بالاتر ساکن شهر یاسوج می‌باشد که براساس فرمول لین، تعداد 385 نفر به عنوان نمونه انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که متغیرهایی چون سواد فرد، سطح سواد پدر، سطح سواد مادر، پایگاه اقتصادی اجتماعی (متغیرهای مستقل) ارتباط معنی‌داری با متغیر وابسته (جهت‌گیری عام‌گرایانه) دارند. همچنین سن و جهت‌گیری عام‌گرایانه رابطه معکوسی با هم دارند.

چمیزان استفاده از اینترنت رابطه (مستقیم) معنی‌داری با جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان داشته است و دیگر وسایل ارتباطی و جهت‌گیری عام‌گرایانه رابطه معنی‌داری نداشته‌اند. متغیرهای اعتماد اجتماعی، جنسیت، وضعیت شغلی، وضعیت تاهل و درآمد رابطه معنی‌داری با جهت‌گیری عام‌گرایانه نداشته‌اند. آزمون رگرسیون نشان داد که متغیرهای مستقل در مجموع دارای ضریب همبستگی 0/353 با متغیر وابسته جهت‌گیری عام‌گرایانه بوده‌اند.

مفاهیم کلیدی : جهت‌گیری عام‌گرایانه، پایگاه اقتصادی اجتماعی خانوار، اعتماد اجتماعی، وضعیت شغلی، جنسیت، کاربری اینترنت.

مقدمه

با شناخت این‌که نظام فرهنگی و به‌ویژه نوع نگرش، جهان‌بینی و یا به تعبیر جامعه‌شناختی «جهت‌گیری ارزشی» افراد يك جامعه نمادی از زیربنای فکری، اهداف و ابزار و مسیر رسیدن به آن‌ها و امور مطلوب و نامطلوب جامعه می‌باشد، جهت‌گیری به عنوان یکی از شاخصه‌های هویتی افراد قلمداد می‌گردد. به عبارتی، جهت‌گیری ارزشی به‌دلیل توجه به اولویت‌های پایدار (Inglehart, 1977)، در امور و ابعاد مختلف زندگی انسانی به‌ویژه ابعاد اجتماعی آن نقش دارد. جامعه ایران که از يك قرن پیش عملاً در ارتباط مستقیم با فرهنگ و تمدن نوین غربی قرار داشته است، طی دهه‌های اخیر دچار دگرگونی‌های بنیادین در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود بوده است. به‌دنبال این دگرگونی‌ها، نظام ارزشی جامعه نیز دستخوش تحولاتی شده است. تغییر و تحولات در مناطق مختلف جامعه ایرانی، از نظر کمی و کیفی، به يك اندازه نبوده است. مناطق روستایی و عشایری به تناسب سطح محدودتری از ارتباط که با دستاوردها و فناوری‌های نوین داشته‌اند، دیرتر دچار تحول شدند. شهرنشینی و گسترش رفتارهای مدنی و قانون‌مند از پیامدهای زندگی مدرن می‌باشند. در دانش جامعه‌شناسی پایبندی به

رفتارهای قانون‌مند را تحت عنوان «عام‌گرایی» می‌شناسند. در مقابل این واژه، خاص‌گرایی قرار دارد. عام‌گرایی به‌طور کلی به معنای توجه به ضوابط، مقررات و شرایطی است که تضمین‌کننده منافع و مصالح عمومی می‌باشند. در یک فرهنگ عام‌گرا، افراد بر این باورند که قواعد و ارزش‌های جامعه مهم‌تر و پایدارتر از منافع و خواست‌های آن‌ها، بستگان و دوستان‌شان هستند. در این فرهنگ، روابط شخصی و غیررسمی مهم‌تر از قواعد و ضوابط نیستند. در یک فرهنگ خاص‌گرا، برعکس، روابط شخصی و غیررسمی بر قواعد و ارزش‌های جامعه ارجحیت دارند و افراد منافع فردی خود، بستگان و دوستان‌شان را بر رعایت قواعد و هنجارهای رسمی جامعه مقدم می‌شمارند.

در تحلیل شرایط گذار از سنت به مدرنیته، دیدگاه‌های مکتب‌نوسازی و به‌ویژه دیدگاه پارسونز (ازکیا و غفاری، 1384) نوعی از ویژگی‌های متمایز را برای این دو دسته از شرایط در نظر گرفته‌اند. یک سوی این ویژگی‌ها بیانگر شرایط توسعه نیافتگی و سوی دیگر آن‌ها بیانگر شرایط توسعه‌یافتگی است. خاص‌گرایی و عام‌گرایی از این دسته ویژگی‌ها هستند که نشانگان نگرشی و رفتاری آن‌ها در جامعه می‌تواند، میزان نزدیکی و یا دوری جامعه با ویژگی‌های یک جامعه توسعه‌یافته و یا توسعه‌نیافته را — براساس دیدگاه‌های نوسازی — نشان دهد.

شهر یاسوج، دارای ویژگی‌های قابل توجهی از ساختار سنتی است. این ساختار با گسترش شهرنشینی و مهاجرت ساکنین مناطق عشایری و روستایی به مناطق شهری دوران گذار به شرایط نوین را سپری می‌نماید. به لحاظ فرهنگی، شهر یاسوج نمودی از درهم آمیختگی ویژگی‌های مدرن شهری و ارتباطات سنتی است. در این شهر، هنوز پیوندهای طایفه‌ای وجود دارد و در بیشتر رفتارهای اجتماعی نقش تعیین‌کننده دارند. با وجود گسترش ویژگی‌های زندگی نوین — اعم از صنعت، نهادها و مناسبات گوناگون — ویژگی‌های سنتی همچنان در چگونگی رفتارها، دسته‌بندی‌ها و تعاملات اجتماعی نقش دارند. این برداشت، تا حدودی مبهم و نامعین است. میزان گروش به ویژگی‌های سنتی و دخالت دادن آن‌ها در زمینه‌های رفتاری و مناسبات اجتماعی — با توجه به شرایط در حال گذار بودن این استان — مشخص نیست. مطالعه روند جهت‌گیری‌های ساکنان منطقه از جایگاه سنتی و یا غیرسنتی می‌تواند سیمای واقعی نگرش‌های این منطقه را آشکار سازد. نظر به ساختار شهر یاسوج و دسته‌بندی‌های ایلی و عشیره‌ای در این منطقه، این پرسش مطرح می‌شود که جهت‌گیری

عام‌گرایانه ساکنان شهر یاسوج چه میزان است؟ در همین ارتباط این پرسش‌ها مطرح است که عوامل اقتصادی و اجتماعی چه تأثیری در جهت‌گیری عام‌گرایانه ساکنان این شهر دارند؟ آیا شاخص‌هایی چون تحصیلات، رسانه‌های جمعی و... تأثیری در نوع جهت‌گیری افراد جامعه مورد مطالعه دارند؟ چه ارتباطی بین میزان اعتماد اجتماعی و جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد وجود دارد؟

این پژوهش برای بررسی پرسش‌های یادشده انجام شده است. هدف کلی از این بررسی شناخت وضعیت جهت‌گیری ارزشی عام‌گرایانه افراد و همچنین زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر آن می‌باشد.

پیشینه تحقیق

معیدفر و دربندی (1385) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرانه شهروندان تهرانی»، ویژگی‌های رفتاری و نگرشی شهروندان تهرانی را از نظر جمع‌گرایی مورد بررسی قرار داده‌اند. توجه به منافع جمعی و جمع‌گرایی از ضرورت‌های بنیادی هر جامعه‌ای است. در این پژوهش تلاش بر این بوده است تا متغیرهای تأثیرگذار بر جمع‌گرایی یا همکاری در دوراهی اجتماعی شناسایی شود. بر پایه تحلیل یافته‌های تحقیق، رابطه همه متغیرها به‌جز رضایت از زندگی و تجربه واکنش منفی دیگران با متغیر وابسته تأیید می‌شود. در تحلیل رگرسیون به‌شیوه گام‌به‌گام نیز متغیرهای «دریافت پیام‌های متقاعدکننده»، «خویش‌داری» و «تعهد عام» وارد معادله شدند و در مجموع حدود 17 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کردند.

کلدی در پایان‌نامه دکتری خود به بررسی تغییر نگرش‌های ارزشی در پرتو نوسازی در ایران پرداخته است. این تز از دیدگاه نوسازی، رویکرد اینکلس، یعنی «فرد مدرن» را مورد استفاده قرار داده است. هدف بررسی نشان‌دادن تفاوت‌های معنی‌دار در ارزش‌های ایرانیان تحصیل‌کرده خارج از کشور با افراد مشابه از نظر سنی، جنسی، دوره تحصیلی و... در داخل کشور و در درجه دوم مقایسه این دو گروه از طریق آزمون قضایا و فرضیه‌های متعدد در مورد ویژگی‌های ارزش‌های مدرن آن‌ها بوده است (Kaldi, 1992).

پلاتو و شیو (2001) در مطالعه‌ای تحت عنوان «جهت‌گیری‌های ارزشی اجتماعی و نمایش انگیزه موفقیت»، تأثیر جهت‌گیری ارزشی افراد را در موفقیت‌های‌شان مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه جهت‌گیری‌های ارزشی اجتماعی خودخواهانه و

غیرخودخواهانه به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های جنبه‌های کلی و جزئی انگیزه موفقیت در میان نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه های آمریکا به‌کار گرفته شدند. دانشجویانی که بیشتر ارزش های اجتماعی مسلط آن‌ها رقابتی و مبتنی‌بر فردگرایی بود، انگیزه موفقیت بیشتری نسبت به دانشجویانی با ارزش‌های اجتماعی مشارکتی داشتند.

جوویا و آلبوکوورک (2002) در مقاله خود با نام «ارزش‌های انسانی و هویت‌های اجتماعی: مطالعه‌ای بر روی دو فرهنگ جمع‌گرا»، موضوعات همبسته هویت‌های اجتماعی را در دو فرهنگ جمع‌گرا (برزیل با تعداد 471 نمونه و اسپانیا با تعداد 476 نمونه) مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج بررسی نشان داد که ارزش‌های اجتماعی با هویت سنتی درون‌گروهی و هویت سرزمینی محلی همبستگی دارند و این‌که ارزش‌هایی که هویت‌های اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند، به‌ویژه در ارتباط با هویت سرزمینی — در میان فرهنگ‌ها متفاوتند. به‌طور ویژه، در میان مجموعه ای از ارزش‌های انسانی اجتماعی، تعلق‌داشتن و سنت برای تبیین هویت‌های اجتماعی بیشترین اهمیت را داشتند.

استراچ و همکاران (2002) در پژوهشی با عنوان «معانی ارزش‌های بنیادین برای زنان و مردان: یک تحلیل بین فرهنگی»، به این موضوع پرداخته‌اند که آیا ارزش‌های بنیادین اجتماعی برای زنان و مردان متفاوتند؟ این مطالعه که بر روی 11244 پاسخ‌گو از میان 18 منطقه فرهنگی جهان انجام شده است، از تحلیل مقیاس چندبعدی استفاده کرده است. نتایج تحلیل‌های داده‌ها نشان داد که نه‌تنها معانی ارزشی با جنسیت در فرهنگ‌های متفاوت رابطه پایداری را نشان نمی‌دهند، بلکه تحت تأثیر تعاملات فرهنگ و جنسیت نیز نمی‌باشند.

مطالعاتی که به‌طور ویژه به جهت‌گیری عام‌گرایانه بپردازند محدودند. به‌ویژه در ارتباط با جامعه ایرانی و جامعه مورد مطالعه، به‌ندرت چنین موضوعاتی — به‌طور خاص — مورد مطالعه قرار گرفتند. اگرچه در موضوعاتی چون نوع‌دوستی، مشارکت اجتماعی و... که تا حدودی مکمل این موضوع عام‌گرایی — هستند، مطالعات زیادی صورت گرفته است، مفهوم عام‌گرایی به شکل جامع و گویا نمی‌تواند در پرتو نتایج چنین مطالعاتی به خوبی تحلیل و تبیین شود. بنابراین، ضرورت دارد تا این موضوع به‌ویژه در مناطقی چون شهر یاسوج، که نمودی از اجتماعات در حال گذارند، مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری

در چارچوب نظری این پژوهش، دیدگاه‌هایی که جهت‌گیری‌های

اجتماعی به‌ویژه جهت‌گیری عام‌گرایانه را به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم مورد توجه قرار داده‌اند، با اولویت زمانی نظریه پردازان مرور می‌شوند. سپس از میان نظریه‌پردازان، دیدگاه‌هایی که بیشتر مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشند برای تعیین فرضیه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند:

جهت‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی در اندیشه جامعه‌شناسان کلاسیک و مکتب نوسازی

اغلب اندیشمندان جهت‌گیری‌های اجتماعی و فرهنگی را در پیوند با توسعه و تغییرات اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند. در دیدگاه بیشتر جامعه‌شناسان کلاسیک، انگاره‌های مفهومی پیرامون جهت‌گیری‌های اجتماعی وجود دارد. از جمله یکی از مهم‌ترین گرایش‌هایی که دوتوکوویل به آن پرداخته، فردگرایی است. دوتوکوویل معتقد بود که «مردم در جوامع پیشامدرن به شیوه‌ای رفتار نمی‌کردند که منافع جامعه را افزایش دهد.» به باور وی با وجود این‌که هویت مردم با هویتی جمعی درآمیخته بود، ممکن بود در شیوه پیوند و ارتباط مردم با جامعه‌شان دشواری‌های بسیاری وجود داشته باشد. دوتوکوویل به شیوه‌ای اشاره داشت که در آن مردم از جامعه‌شان جدا می‌شوند، کناره‌گیری می‌کنند، یا منافع جامعه بزرگتر را به دلیل «خودخواهی»، که او آن را در تقابل با «فردگرایی» قرار می‌داد تا نشان بدهد چگونه این اصطلاح نتیجه تاریخی ویژه عصر دموکراسی است، آشکارا به رویارویی فرا می‌خوانند (کیویستو، 1380: 121).

پارسونز در مبحث متغیرهای الگویی، دو شیوه متفاوت جهت‌گیری ارزشی مورد انتظار نظام‌های اجتماعی متفاوت از فرد را نشان می‌دهد. او معتقد است هر جامعه مجموعه‌ای از ارزش‌های متفاوت دارد که براساس متغیرهای الگویی، ارزش‌های همراه با کنش در مناسبات متقابل افراد با جامعه ایجاد می‌شود. متغیرهای الگویی پارسونز عبارتند از: (1) عاطفی‌بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی نسبت به موضوع. (2) جهت‌گیری جمعی در برابر جهت‌گیری به‌سوی خود. (3) خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی. (4) کیفیت ذاتی در برابر جنبه عملی (انتسابی در مقابل اکتسابی). (5) جزء‌گرایی در مقابل کل‌گرایی که او آن‌ها را به نظریه نظام اجتماعی پیوند می‌زند. به‌طور کلی، پارسونز معتقد است که در جوامع پیشرفته صنعتی انتخاب‌ها بیشتر غیرعاطفی، جمع‌گرا، جزئی، عام‌گرایانه و اکتسابی است در حالی‌که در جوامع سنتی بیشتر بر جنبه‌های عاطفی روابط، جهت‌گیری به سوی خود، کلی‌بودن تعهدات، خاص‌گرایی و کیفیات

انتسابی تأکید می‌شود (Parsons and Shils, 1962: 76-88). اینکلس و اسمیت، از نظریه‌پردازان نوسازی؛ مدرن‌شدن انسان را به عواملی چون آموزش و پرورش، محیط شهری، وسایل ارتباط جمعی، دولت ملی و دستگاه‌های اداری و احزاب سیاسی، محیط کار و فعالیت در کارخانه‌ها مرتبط می‌سازند (ازکیا و غفاری، 1384: 213). آن‌ها در همین زمینه با مطالعاتی که بر روی 5500 نفر در چند کشور در حال توسعه انجام دادند، نتیجه گرفتند که تجدد فردی با عواملی چون تحصیلات، تحصیلات پدر، تجربه کاری در کارخانه، تخصص، درآمد، شهرنشینی و استفاده از رسانه‌های مختلف ارتباط داشته‌اند. در این میان، تحصیلات از اهمیت و برتری برخوردار بوده است (همان منبع: 214).

لرنر دیگر نظریه‌پرداز دیدگاه نوسازی، در کتابی که حاصل مطالعاتی بر روی شش کشور خاورمیانه‌ای است، بر این باور است که ورود عناصر و مکانیسم‌هایی که حاصل نوسازی هستند، در آمادگی روانی و تحرك ذهنی انسان‌ها برای پذیرش عناصر جدید تجدد تأثیرگذار هستند. وی مهم‌ترین این عناصر را شامل گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت می‌داند (همان منبع: 207-208).

جهت‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی در اندیشه متأخرین به‌ویژه نوکارکردگرایان

متأخرین با بهره‌گیری از اندیشه جامعه‌شناسان کلاسیک و مکتب نوسازی، ابعاد نوینی را در جهت‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی وارد ساختند. دیدگاه اینگلهارت درباره تغییر اجتماعی مبتنی بر تغییر ارزش‌ها به‌ویژه تغییر ارزشی بین‌نسلی است که دو فرض بنیادی دارد: 1) فرضیه کمیابی: اولویت‌های يك فرد محیط اقتصادی اجتماعی را منعکس می‌کنند؛ 2) فرضیه جامعه پذیری: رابطه میان محیط اقتصادی اجتماعی و اولویت‌های ارزشی يك سازگاری آنی نیست، بلکه متأثر از شرایط جامعه پذیری فرد است (Inglehart, 1997: 33). از نظر اینگلهارت، پس از جنگ جهانی دوم به علت امنیت بی‌سابقه اقتصادی نوعی تغییر بین‌نسلی از ارزش‌های مادی به فرامادی رخ داده است (اینگلهارت، 1373: 629) جوان‌ها بیش از افراد مسن بر اهداف فرامادی تأکید دارند.

گروندونا در تحلیلش از پیشرفت جوامع و نظام‌های ارزشی آن‌ها، يك سنخ‌شناسی از عوامل بیست‌گانه در حوزه فرهنگی ارائه می‌دهد که شامل ارزش‌های فرهنگی پیشرو و فرهنگ عقب‌مانده هستند (Grondona, 2000: 46-53). هاریسون به منظور تبیین بُعد فرهنگی توسعه اقتصادی ده ارزش، نگرش یا مجموعه ذهنی را

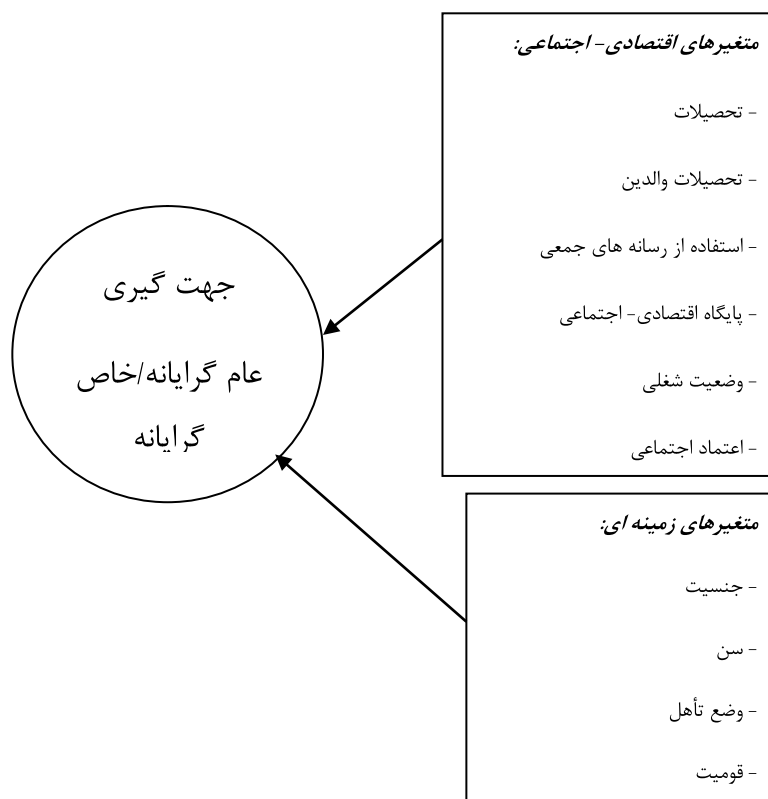
ارائه می‌کند که فرهنگ‌های پیشرفته (پیشرو) را از فرهنگ‌های ایستا مجزا می‌کند: به‌عنوان نمونه در فرهنگ پیشرفته، شایستگی؛ اما در فرهنگ ایستا، خانواده و رابطه‌مندی مهم است. در فرهنگ‌های پیشرفته شعاع شناسایی و اعتماد در حد گسترده و فراتر از خانواده است، اما در فرهنگ‌های ایستا، خانواده اجتماع را احاطه می‌کند. در فرهنگ‌های پیشرفته انتظارات غیرشخصی جهان‌شمول‌اند، اما در فرهنگ‌های ایستا، عدالت بسته به افراد مورد شناخت و وجه قابل پرداخت (رشوه) است (Harrison, 2000: 299-300).

ال‌گزندر در نظریه خود پیرامون جامعه مدنی، چنین جامعه‌ای را به‌عنوان فضا یا خرده نظامی از جامعه تعریف می‌کند که «به صورت تحلیلی و تا حد زیادی به صورت تجربی از فضاهای زندگی سیاسی، اقتصادی و مذهبی جدا می‌شود». جامعه مدنی سپهری از انسجام است که در آن عام‌گرایی محض و برداشته‌های خاص‌گرایانه از اجتماع، شدیداً درهم تنیده شده‌اند. از نظر او در این جامعه غیرشخصی در مقابل شخصی، گروه‌های اجتماعی در مقابل جناح‌ها و سمت در مقابل شخصیت قرار دارند (Alexander, 2001: 4-5).

دیدگاه‌های مرور شده نشان می‌دهند که دامنه گوناگونی از نظریه‌ها، به جهت‌گیری افراد و جوامع می‌پردازند. در این نظریه‌ها عمدتاً نوعی دوگانگی در جهت‌گیری‌ها وجود دارد. به گونه‌ای که یک سوی جهت‌گیری‌ها مرتبط به شرایط توسعه‌یافته و مدرن و سوی دیگر مربوط به شرایط توسعه‌نیافته و سنتی می‌باشد. در نظریه پارسونز، متغیرهای الگویی دارای چنین ویژگی‌هایی می‌باشند. الگوی عام‌گرایی/خاص‌گرایی یکی از این دوگانگی‌ها در جهت‌گیری‌ها می‌باشد که نوع عام‌گرای آن به شرایط توسعه‌یافته و نوع خاص‌گرای آن به شرایط توسعه‌نیافته مرتبط می‌باشد. ال‌گزندر دوگونه از روابط غیرشخصی و شخصی را ترسیم می‌نماید که نوع اول مربوط به کد مردم‌سالارانه و نوع دوم مربوط به کد غیرمردم‌سالارانه است. این نوع روابط به ترتیب مترادف با الگوهای عام‌گرایانه و خاص‌گرایانه پارسونز می‌باشند. گروندونا و هاریسون در سنخ‌شناسی‌های خود به این شرایط پرداخته‌اند. هاریسون در سنخ‌شناسی خود مفهوم عدالت را در پرتو دوگانگی جوامع برحسب سطح توسعه نشان می‌دهد. در جوامع توسعه‌نیافته مفهوم عدالت تحت‌الشعاع و وابسته به رابطه و رشوه است در حالی‌که در جوامع توسعه‌یافته، انتظارات غیرشخصی فراگیرند و کاربرد دارند. این‌گل‌هارت معتقد است در شرایط فرامادی‌گرایی تغییراتی در ارزش‌های

دینی، سیاسی، خانوادگی و اقتصادی نسبت به شرایط مادی‌گرایی رخ می‌دهد. تعبیر دو وجهی این‌گله‌هارت در مورد جوامع بقای نفس (برای جوامع با توسعه کمتر) و جوامع بیان نفس (برای جوامع توسعه‌یافته‌تر و فرامادی) می‌تواند مبنای نظری برای سنجش و شناخت جهت‌گیری‌های ارزشی به‌ویژه جهت‌گیری عام‌گرایانه ارائه کند.

بر این اساس، و به شکل ترکیبی، در این بررسی فرضیه‌هایی با استفاده از دیدگاه‌های نظری چارچوب نظری ارائه می‌شوند. برای تبیین مفهوم جهت‌گیری عام‌گرایانه در این بررسی از مفاهیم نظری موجود در متغیرهای الگویی پارسونز استفاده می‌شود و برای مصداق‌های آن از سنخ‌شناسی‌های هاریسون و ال‌گزندر بهره‌گیری شده است. متغیرهای مستقل با بهره‌گیری از دیدگاه این‌گله‌هارت — در مورد شرایط جامعه‌پذیری — و دیدگاه نوسازی و به‌ویژه نظریه‌پردازان این حوزه نظری یعنی پارسونز، اینکلس و اسمیت و لرنر طراحی می‌شوند. این متغیرها شامل عوامل اجتماعی همچون سطح تحصیلات فرد، سطح تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی؛ عوامل اقتصادی همچون درآمد و عوامل فردی همچون سن، جنسیت و وضع تأهل می‌باشند. مدل زیر را با بهره‌گیری از نظریه‌های یادشده برای تبیین موضوع می‌توان ارائه داد :



فرضیه های تحقیق

1. افراد متأهل و مجرد میزان های متفاوتی از جهت گیری عام گرایانه دارند.
2. زنان و مردان میزان متفاوتی از جهت گیری عام گرایانه دارند.
3. بین سن و جهت گیری عام گرایانه رابطه معناداری وجود دارد.
4. وضعیت شغلی بر جهت گیری عام گرایانه افراد تأثیر دارد.
5. سطح تحصیلات بر جهت گیری عام گرایانه افراد تأثیر دارد.
6. سطح تحصیلات پدر بر جهت گیری عام گرایانه افراد تأثیر دارد.
7. سطح تحصیلات مادر بر جهت گیری عام گرایانه افراد تأثیر دارد.
8. میزان استفاده از رسانه های جمعی بر جهت گیری عام گرایانه افراد مؤثر است.
9. بین میزان اعتماد اجتماعی و جهت گیری عام گرایانه رابطه معنی داری وجود دارد.

10. درآمد خانوار بر جهتگیری عام‌گرایانه افراد تأثیرگذار است.

11. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و جهتگیری عام‌گرایانه افراد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی

روش و ابزار : در این پژوهش از روش پیمایشی¹ استفاده شده است. ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه است که با سؤالات چندگزینه‌ای و یا سؤالات باز به سنجش متغیرها پرداخته شده است. در این بررسی، جمعیت آماری شامل ساکنان 15ساله و بالاتر شهر یاسوج است که به صورت نمونه‌گیری انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند. با توجه به حجم جمعیت آماری (مرکز آمار ایران، 1376) با استفاده از فرمول لین حجم نمونه تعیین شد (Lin, 1976: 446). حجم نمونه برای جامعه مورد مطالعه 381 مورد تعیین گردید که برای افزایش دقت، به 385 مورد افزایش یافت. نمونه‌گیری این پژوهش به صورت تصادفی از نوع چندمرحله‌ای طبقه‌ای منظم می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های آنوا، T مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

پایایی² و روایی³ ابزار سنجش : در این بررسی برای شناخت میزان انسجام درونی (پایایی) گویه‌های طیف متغیر وابسته جهتگیری عام‌گرایانه و طیف‌های زیرمجموعه آن از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای گویه‌های طیف سنجش متغیر وابسته جهتگیری عام‌گرایانه 62 درصد بوده که ضریب قابل قبولی است و نشانگر وجود انسجام درونی مناسبی بین گویه‌ها است. اعتبار محتوا نیز به شیوه اعتبار صوری⁴ و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین گردید.

تعریف مفاهیم

جهتگیری عام‌گرایانه : داشتن و یا پذیرفتن ارزش‌هایی که نشانگر توجه و احترام فرد به منافع و اهداف جمعی می‌باشد. به عبارت دیگر جهتگیری که نه برای یک فرد و یا گروه خاص، بلکه برای همه افراد یک جامعه اولویت قائل است. برای مصداق‌های قابل سنجش متغیر عام‌گرایی از میزان عام‌گرایی/خاص‌گرایی در رفتارهای اداری (به‌عنوان کارمند اداری، مأمور

1. survey

2. Reliability

3. Validity

4. face validity

مالیات، کارمند بانک، کارمند درمانگاه، پرستار بیمارستان، قاضی، پلیس)، آموزشی، خدماتی و تجاری استفاده شده است. بدین منظور نگرش و جهتگیری افراد در 14 موقعیت خاص مورد بررسی قرار گرفته است. نمرات جهتگیری عام‌گرایی که از مجموع 14 گویه (هر گویه از نمره 1 تا 5 ارزشگذاری شده است) به دست می‌آیند، نشانگر میزان جهتگیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان می‌باشند.

میزان استفاده از وسایل ارتباطی : منظور میزان زمان (به دقیقه) استفاده از وسایل ارتباطی مانند تلویزیون، رادیو، نشریات و کتب غیردرسی و شبکه اینترنت در شبانه‌روز می‌باشد. **اعتماد اجتماعی :** برای سنجش اعتماد اجتماعی در این پژوهش، اعتماد عمومی در قالب گویه‌های پنج‌گانه مورد سنجش قرار گرفتند. کمترین نمره ممکن اعتماد 5 و بالاترین نمره ممکن اعتماد 25 بوده است.

پایگاه اقتصادی اجتماعی خانوار : این مفهوم با یک پرسش قابل سنجش نیست. بنابراین، از متغیرهایی چون سواد فرد، سواد پدر، سواد مادر، شغل، درآمد ماهیانه سرپرست خانوار و امکانات رفاهی و مالی برای محاسبه پایگاه اقتصادی اجتماعی خانوار استفاده شده است. ابتدا هرکدام از متغیرهای یادشده به طبقات سه‌گانه تقسیم شدند و سپس متغیرهای جدید با رتبه‌های سه‌گانه با همدیگر جمع‌شده و پس از دستیابی به متغیر جدید، این متغیر به سه رتبه پایگاهی پایین، متوسط و بالا تقسیم شد.

یافته‌ها

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمره جهتگیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان حدود 38 می‌باشد که از حد وسط مجموع نمره مورد انتظار، پایین‌تر است. نمره متوسط ($3 \times 14 = 42$) می‌باشد که بدین‌ترتیب نمره به‌دست‌آمده نشان‌دهنده میزان پایین جهتگیری عام‌گرایانه در جامعه مورد مطالعه می‌باشد. در مورد درآمد اقتصادی خانواده، برابر اعلام پاسخ‌گویان بخش قابل توجهی از آن‌ها از درآمد پایین و متوسطی برخوردارند. داده‌های بررسی نشان می‌دهد از نظر سنی $55/8$ درصد از پاسخ‌گویان از گروه سنی 15 تا 29 سال، $37/4$ درصد از گروه سنی 30 تا 51 سال و $5/5$ درصد را گروه سنی 52 سال و بالاتر بوده‌اند. حدود 20 درصد از کل پاسخ‌گویان و 24 درصد از پاسخ‌گوانی که از رسانه‌های جمعی استفاده می‌کنند، تا 110 دقیقه در شبانه‌روز از این وسایل استفاده می‌کنند. $50/8$ درصد از آن‌ها بین 111 تا 285 دقیقه در شبانه‌روز از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌

کنند. بیشترین نسبت از پاسخ‌گویان (53درصد) در سطح متوسط نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه قرار دارند و کمترین نسبت مربوط به پاسخ‌گویانی است که در سطح بالای جهت‌گیری عام‌گرایانه بالا قرار دارند.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

وضعیت تأهل و جهت‌گیری عام‌گرایانه : داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده (sig.=0/193) ، تفاوت معنی‌داری بین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به جنسیت آن‌ها وجود ندارد. نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه مردان در حد محسوسی از زنان بیشتر است. با این وجود، تفاوت در حد معنی‌دار نیست. رابطه بین دو متغیر در سطح حداقل 95درصد معنی‌دار نیست. بنابراین فرضیه یادشده مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین وضعیت تأهل و جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد تأیید نمی‌گردد.

جدول شماره 1. مقایسه میانگین جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به وضعیت تأهل با استفاده از آزمون T مستقل

وضعیت تأهل	تعداد پاسخ‌گویان	میانگین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
مجرد	153	38/71	8/77	1/306	/193 0
متأهل	202	37/52	8/27		

جنسیت و جهت‌گیری عام‌گرایانه : داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده (Sig.=0/062) ، تفاوت معنی‌داری بین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به جنسیت آن‌ها وجود ندارد. نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه مردان در حد محسوسی از زنان بیشتر است. با این وجود، تفاوت در حد معنی‌دار نیست. این داده‌ها نشان می‌دهند که جهت‌گیری افراد کمتر تحت تأثیر ویژگی‌های انتسابی است. به بیان دیگر، شرایط اکتسابی و آموزه‌های رسمی و غیررسمی بر جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد تأثیر گذارند.

جدول شماره 2. مقایسه میانگین جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به جنسیت

جنسیت	تعداد پاسخگویان	میانگین نمره جهت گیری عام گرایانه	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
زن	177	2/37	5/7	8/170	0/62
مرد	183	87/38	1/9		

سن و جهت‌گیری عام‌گرایانه : داده‌های جدول شماره 3 نشان می‌دهد که میزان ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای سن پاسخ‌گویان و جهت‌گیری عام‌گرایانه (-0/142) و سطح معنی‌داری آن‌ها (Sig.=0/007) می‌باشد، بنابراین رابطه معنی‌داری بین آن‌ها وجود دارد. این رابطه معکوس می‌باشد، نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه در میان افراد با سن بالاتر کمتر از نمره افراد با سن پایین‌تر است. به عبارت دیگر، روحیه عام‌گرایی در میان جوان‌ترها بیش از افراد مسن است و با افزایش سن، میزان جهت‌گیری عام‌گرایانه کاهش می‌یابد و بالعکس. با توجه به داده‌های یادشده، فرضیه یادشده مبنی‌بر وجود رابطه معنی‌داری بین سن و جهت‌گیری عام‌گرایانه تأیید می‌گردد. جوان‌ترها به دلیل تأثیرپذیری از شرایط نوین زندگی همچون تحصیلات بیشتر و استفاده از رسانه‌های ارتباطی نوین چون اینترنت، کمتر نسبت به جهت‌گیری‌های سنتی و خاص‌گرایانه وابستگی دارند. کم‌رنگ‌شدن آموزه‌های سنتی و محلی در بین جوان‌ترها، زمینه‌گرایش آن‌ها به جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه را فراهم می‌سازد.

جدول شماره 3. ضریب همبستگی پیرسون بین نمره جهت‌گیری عام گرایانه و سن

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون r	سطح معنی داری	تعداد پاسخگو
سن	-0/142**	0/007	358

وضعیت شغلی و جهت‌گیری عام‌گرایانه : داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده (sig.=0/182) تفاوت معنی‌داری بین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به وضعیت شغلی آن‌ها وجود ندارد. با توجه به تعداد فراوانی پاسخ‌گویان در رده دانش‌آموزان و دانشجویان، نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه این دو رده در حد محسوسی از دیگران بیشتر است. با این وجود، تفاوت معنی‌دار نیست. رابطه بین دو متغیر در سطح حداقل 95 درصد معنی‌دار نیست. بنابراین فرضیه یادشده مبنی‌بر وجود رابطه معنی‌دار بین وضعیت شغلی و جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد تأیید نمی‌گردد.

جدول شماره 4. مقایسه میانگین جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به وضعیت شغلی با استفاده از آزمون F (آنوا)

وضعیت شغلی	تعداد پاسخ‌گویان	میانگین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی‌داری
شاغل	97	37/1	8/01	1/455	/182 0
بیکار جویای کار	42	37/66	10/2		
بازنشسته	11	37/73	7/48		
محصل	74	38/78	7/7		
دانشجو	48	41/14	9/44		
خانه‌دار	77	36/97	7/21		
سرباز	2	41/5	4/95		
سایر	9	38/88	13/05		

		8/43	38/1	360	کل
--	--	------	------	-----	----

سطح تحصیلات و جهت‌گیری عام‌گرایانه : داده‌های جدول شماره 5 نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده (Sig.=0/000)، تفاوت معنی‌داری بین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به سطح تحصیلات آن‌ها وجود دارد. افرادی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند، از نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه بیشتری برخوردارند. بالاترین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه مربوط به افراد با تحصیلات فوق‌لیسانس و کمترین جهت‌گیری عام‌گرایانه مربوط به افراد بی‌سواد می‌باشد. رابطه بین دو متغیر در سطح حداقل 99 درصد معنی‌دار است. بنابراین فرضیه یادشده مبنی‌بر وجود رابطه معنی‌دار بین سطح تحصیلات فرد و جهت‌گیری عام‌گرایانه آن‌ها تأیید می‌گردد. این نتیجه، نشان می‌دهد که سطح تحصیلات بالا در افزایش روحیه عام‌گرایی و قانون‌مندی افراد جامعه تأثیرگذار است. به بیان دیگر، افراد با تحصیلات پایین‌تر، گرایش کمتری به جهت‌گیری عام‌گرایانه داشته و با داشتن روحیه سنتی، بیشتر براساس جهت‌گیری خاص‌گرایانه و مقدم‌دانستن وابستگی‌های محلی و خویشاوندی بر ضوابط رفتار می‌کنند. نتیجه این فرضیه با دیدگاه افرادی چون اینکلس و اسمیت و همچنین لرنر هم‌خوانی دارد.

جدول شماره 5. مقایسه میانگین جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به سطح تحصیلات فرد با استفاده از آزمون T

سطح تحصیلات فرد	تعداد پاسخ‌گویان	میانگین نمره جهت‌گیری عام‌گرایی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی‌داری
بیسواد	9	11/31	8/6	887/5	000/0
ابتدایی	33	27/33	81/6		
راهنمایی و	81	13/	48/		

		7	37		زیردیپلم
		162	153	15	دیپلم و فوق
		8	38	9	دیپلم
		166	144	65	لیسانس
		8	40		
		114	136	11	فوق لیسانس
		7	43		
		146	103	35	کل
		8	38	8	

سطح تحصیلات پدر و جهت‌گیری عام‌گرایانه : داده‌های جدول شماره 6 نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده (Sig.=0/033)، تفاوت معنی‌داری بین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به سطح تحصیلات پدر آنها وجود دارد. افرادی که پدرشان از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند، از نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه بیشتری برخوردارند. بالاترین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه، مربوط به افرادی است که سطح تحصیلات پدر آنها دکتری و کمترین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه مربوط به افرادی است که پدر آنها بی‌سواد می‌باشد. رابطه بین دو متغیر در سطح حداقل 95 درصد معنی‌دار است. بنابراین فرضیه یادشده مبنی‌بر وجود رابطه معنی‌دار بین سطح تحصیلات پدر و جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد تأیید می‌گردد. این داده‌ها، نشانگر جایگاه نظام جامعه‌پذیری خانواده در نگرش‌ها و ارزش‌های فرزندان می‌باشد. خانواده به‌عنوان کهن‌ترین نهاد اجتماعی، هنوز از جایگاه برجسته‌ای در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی افراد برخوردار است.

جدول شماره 6. مقایسه میانگین جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به سطح تحصیلات پدر با استفاده از آزمون F

سطح تحصیلات	تعداد	میانگین نمره جهت‌گیری	انحراف	مقدار F	سطح
-------------	-------	-----------------------	--------	---------	-----

معنی داری		معیار	عام گرایی	پاسخگویان	پدر
0/033	2/322	6/92	35/99	85	بیسواد
		10/56	36/86	68	ابتدایی
		8/19	38/68	48	راهنمایی و زیردیپلم
		8/63	39/35	90	دیپلم و فوق دیپلم
		8/1	40/38	34	لیسانس
		7/86	40/40	10	فوق لیسانس
		6/24	45	3	دکتری
		8/63	38/1	338	کل

سطح تحصیلات مادر و جهت‌گیری عام‌گرایانه : داده‌های جدول شماره 7 نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده (Sig.=0/001)، تفاوت معنی‌داری بین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به سطح تحصیلات مادر آنها وجود دارد. افرادی که مادرشان از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند، از نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه بیشتری برخوردارند. بالاترین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه مربوط به افرادی است که سطح تحصیلات مادر آنها فوق لیسانس و دکتری و کمترین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه مربوط به افرادی است که مادر آنها بی‌سواد می‌باشد. سطح تحصیلات دکتری تنها یک نفر بوده است. رابطه بین دو متغیر در سطح حداقل 95 درصد معنی‌دار است. بنابراین فرضیه یاد شده مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین سطح تحصیلات مادر و جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد تأیید می‌گردد. همان‌گونه که نتایج تحقیق نشان می‌دهد افرادی که تحصیلات مادر آنها راهنمایی تا لیسانس بوده است، بیشترین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه را داشته‌اند. نتایج جداول شماره 6 و شماره 7 نشانگر نهاد خانواده و آموزه‌های جامعه‌پذیری مؤثر این نهاد

برای فرزندان می‌باشد. همان‌گونه که افراد با تحصیلات بالاتر خود، دارای جهت‌گیری عام‌گرایانه بیشتری هستند؛ فرزندان آن‌ها نیز از جهت‌گیری و آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی والدین‌شان تأثیر می‌پذیرند. تأیید شدن فرضیه‌های شش و هفت با دیدگاه‌ها و مطالعات اینکلس و اسمیت و همچنین لرنر هم‌خوانی دارد.

جدول شماره 7. مقایسه میانگین جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به سطح تحصیلات مادر با استفاده از آزمون F

سطح تحصیلات مادر	تعداد پاسخ‌گویان	میانگین نمره جهت‌گیری عام‌گرایی	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی‌داری
بیسواد	142	37/42	8/92	3/77	/001 0
ابتدایی	95	36/18	8/79		
راهنمایی و زیردیپلم	57	39/88	7/12		
دیپلم و فوق دیپلم	29	42/9	7/85		
لیسانس	5	45/6	7/02		
فوق لیسانس	3	37/66	0/57		
دکتری	1	47	-		
کل	330	38/12	8/66		

میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و جهت‌گیری عام‌گرایانه : برای بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر جهت‌گیری عام‌گرایانه، میزان زمان استفاده از رسانه‌هایی چون رادیو، تلویزیون، کتاب و نشریات و اینترنت مورد پرسش قرار گرفت، که با

گردنمودن زمان‌های صرف‌شده در شبانه‌روز برای استفاده از رسانه‌های یادشده، يك متغیر جامع تحت عنوان «رسانه‌های جمعی» (به‌عنوان متغیر مستقل) در ارتباط با متغیر وابسته جهت‌گیری عام‌گرایانه مورد آزمون قرار گرفت و علاوه بر این، میزان زمان استفاده از هرکدام از رسانه‌های یادشده جداگانه در ارتباط با متغیر وابسته مورد آزمون قرار گرفتند، که نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره 8 آمده است. براساس داده‌های جدول، از میان رسانه‌های جمعی که در این بررسی مورد پرسش بوده‌اند، تنها استفاده از اینترنت با جهت‌گیری عام‌گرایانه در سطح 95 درصد دارای رابطه معنی‌دار می‌باشد. حتی مجموع زمان استفاده از رسانه‌های جمعی رابطه معناداری با جهت‌گیری عام‌گرایانه نداشته است. معنی‌دار نبودن تفاوت نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان با توجه به میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، می‌تواند نشان‌دهنده کیفیت بهره‌گیری و همچنین آموزه‌های این رسانه‌ها باشد. تأکید زیاد بر جنبه‌های سرگرمی و یا بی‌توجهی به آموزه‌های شهروندی و یا قانون‌مندی از ویژگی رسانه‌های جمعی همچون رادیو و تلویزیون و حتی بیشتر نشریات عمومی کشور می‌باشد. با این وضعیت، کمیت استفاده از آن‌ها تأثیر زیادی بر جهت‌گیری افراد ندارد.

جدول شماره 8. ضریب همبستگی پیرسون بین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه و رسانه‌های جمعی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون r	سطح معنی‌داری	تعداد پاسخگو
میزان زمان استفاده از رادیو در شبانه‌روز	0/018	0/747	317
میزان زمان استفاده از تلویزیون در شبانه‌روز	0/090	0/093	351
میزان زمان مطالعه کتاب و	0/043	0/433	333

			نشریات در شبانه روز
323	0/029	0/121*	میزان زمان استفاده از اینترنت در شبانه روز
303	0/799	0/015	رسانه های جمعی (مجموع)

اعتماد اجتماعی و جهتگیری عام‌گرایانه : داده‌های جدول شماره 9 نشان می‌دهد که با توجه به ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/048$) و سطح معنی‌داری ($\text{Sig.}=0/368$) بین میزان اعتماد اجتماعی و جهتگیری عام‌گرایانه افراد رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه یادشده مبنی‌بر وجود رابطه معنی‌دار بین اعتماد اجتماعی و جهتگیری عام‌گرایانه رد می‌شود. نتایج آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که میزان جهتگیری عام‌گرایانه افراد ارتباطی با وضعیت میزان اعتماد اجتماعی، نداشته است. به عبارتی، ممکن است افراد با وجود داشتن اعتماد اجتماعی بالا، دارای روحیه خاص‌گرایانه و یا عام‌گرایانه باشند و تعامل این دو متغیر از یک الگوی معناداری برخوردار نیست.

جدول شماره 9. ضریب همبستگی پیرسون بین نمره جهتگیری عام‌گرایانه و اعتماد اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون r	سطح معنی‌داری	تعداد پاسخگو
اعتماد اجتماعی	0/048	0/368	359

درآمد خانوار و جهتگیری عام‌گرایانه : داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد که میزان ضریب همبستگی پیرسون، متغیرهای درآمد خانوار و جهتگیری عام‌گرایانه ($r=0/075$) و سطح معنی‌داری آن‌ها می‌باشد، بنابراین رابطه معنی‌داری بین آن‌ها وجود ندارد.

با توجه به داده‌های یادشده فرضیه مبنی‌بر وجود رابطه معنی‌داری بین درآمد و جهتگیری عام‌گرایانه تأیید نمی‌گردد. به بیان دیگر، میزان درآمد خانوار تأثیر معناداری

بر میزان عام‌گرایی افراد نداشته است و افراد با درآمد بالا و یا پایین میزان متفاوتی — به لحاظ معناداری — از جهت گیری عام‌گرایانه نداشته‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که در جامعه مورد مطالعه، میزان عام‌گرایی، از شرایط اقتصادی افراد تبعیت نمی‌کند.

جدول شماره 10. ضریب همبستگی پیرسون بین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه و درآمد

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون r	سطح معنی داری	تعداد پاسخگو
درآمد خانوار	0/075	0/230	257

پایگاه اقتصادی اجتماعی و جهت‌گیری عام‌گرایانه : برای ارائه یک تحلیل جامع از شرایط اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد، با استفاده از شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی متغیر مستقل پایگاه اقتصادی اجتماعی محاسبه گردید. داده‌های جدول شماره 11 نشان می‌دهد که با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، ($r=0/203$) و سطح معنی‌داری ($Sig.=0/002$) بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد رابطه معنی‌داری وجود دارد. این رابطه در سطح حداقل 99 درصد معنی‌دار است و به‌صورت مستقیم می‌باشد. به عبارتی جهت آماره نشان می‌دهد که افراد با پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر، از نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه بیشتری برخوردار بوده‌اند و بالعکس، افراد با پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین‌تر از نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه کمتری برخوردار بوده‌اند.

بنابراین، فرضیه یادشده تأیید می‌گردد. با توجه به این‌که متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی با استفاده از شاخص‌هایی چون تحصیلات و منزلت شغلی والدین و همچنین خود فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد، و همچنین تأثیر سطح تحصیلات بر جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد، بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد رابطه معناداری

وجود دارد. پایگاه اقتصادی و اجتماعی در دوران نوین با

شاخص‌های اکتسابی و نوین سنجیده می‌شود و همان‌گونه که در جداول 5 تا 7 نشان داده شد، این شاخص‌ها نیز همبستگی مثبتی را با جهت‌گرایی عام‌گرایی دارند. به بیان دیگر، در متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی تأثیر سطح تحصیلات به‌خوبی نمایان است، زیرا براساس یافته‌های این پژوهش، متغیرهای اقتصادی به تنهایی رابطه معناداری با جهت‌گیری عام‌گرایانه/خاص‌گرایانه ندارند.

جدول شماره 11. ضریب همبستگی پیرسون بین نمره جهت‌گیری عام‌گرایانه و پایگاه اقتصادی اجتماعی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون r	سطح معنی داری	تعداد پاسخگو
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	0	**/203	222

آزمون رگرسیون نشان داد که متغیرهای مستقل در مجموع دارای ضریب همبستگی 0/353 با متغیر وابسته جهت‌گیری عام‌گرایانه بوده‌اند. ضریب تعیین نیز حدود 0/13 می‌باشد. این مقدار ضریب نشان می‌دهد که برای بررسی و تبیین عوامل تأثیرگذار بر جهت‌گیری عام‌گرایانه جامعه مورد مطالعه، به بررسی عوامل دیگری غیر از عوامل مورد بررسی در این پژوهش، نیز نیاز است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که جهت‌گیری عام‌گرایانه، همانند سایر جهت‌گیری‌های ارزشی متأثر از شرایط جامعه‌پذیری افراد می‌باشد. همان‌گونه که در آزمون فرضیه‌ها نشان داده شد؛ متغیرهایی که به‌صورت مستقیم به جامعه‌پذیری افراد مرتبط می‌باشند، تأثیر روشنی بر جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد جامعه دارند. سطح تحصیلات فرد، که در این بررسی ارتباط معنی‌داری با جهت‌گیری عام‌گرایانه دارد، نمونه روشنی از جامعه‌پذیری است که در نهادهای آموزشی جامعه متبلور می‌شود.

افراد از ابتدای ورودشان به مدرسه نظم‌پذیری، قانون‌مندی و رعایت حقوق دیگران را می‌آموزند و تجربه می‌نمایند. این آموزه‌ها در صورت استمرار در مقاطع تحصیلی بالاتر می‌تواند به مرجع رفتاری افراد تبدیل گردند. در این راستا، نتیجه

تحقیق رابطه مستقیمی را بین سطح تحصیلات و جهت‌گیری عام گرایانه افراد نشان می‌دهد و افراد با سطح تحصیلات بالاتر از روحیه و جهت‌گیری عام‌گرایانه‌تری برخوردارند و رعایت ضوابط، مقررات و حقوق دیگران را مقدم بر اهداف شخصی خویش می‌دانند.

زمینه دیگر تأثیر شرایط جامعه‌پذیری افراد بر جهت‌گیری عام گرایانه آن‌ها مربوط به سطح تحصیلات والدین می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان داد که بین سطح تحصیلات والدین (پدر و مادر) و جهت‌گیری عام‌گرایانه افراد رابطه معنی‌داری وجود دارد و هرچه سطح تحصیلات والدین بالاتر باشد، فرزندان آن‌ها از جهت‌گیری عام‌گرایانه بیشتری برخوردارند.

نکته دیگری که از نتایج تحقیق می‌توان در ارتباط با تأثیر شرایط جامعه‌پذیری در جهت‌گیری عام‌گرایانه استنباط نمود، اختلاف نسلی در جامعه‌پذیری و در نتیجه در جهت‌گیری عام گرایانه است. همان‌گونه که نتایج تحقیق نشان داده است، افراد مسن‌تر از جهت‌گیری عام‌گرایانه کمتری نسبت به جوان‌ترها برخوردارند، و در نتیجه می‌توان چنین استنباط نمود که چنین تفاوتی ناشی از اختلاف در شرایط و سازوکارهای جامعه‌پذیری افراد سنین مختلف می‌باشد، اگرچه ممکن است شرایط دیگری همچون تجربیات زندگی در شرایط و موقعیت‌های خاص نیز تأثیری بر نوع بینش و جهت‌گیری افراد داشته باشند.

مقایسه میزان تأثیر سطح تحصیلات والدین و سطح تحصیلات پاسخ‌گویان با تأثیر دیگر زمینه‌های جامعه‌پذیری، از جمله رسانه‌های جمعی، نشانگر جایگاه مهم سطح تحصیلات و همچنین شرایط خانوادگی در شکل‌گیری جهت‌گیری‌های ارزشی افراد به‌ویژه در ارتباط با نوع جهت‌گیری عام‌گرایانه/خاص‌گرایانه آن‌ها می‌باشد. یافته‌های این بررسی در مورد سطح تحصیلات فرد و والدین او، با دیدگاه‌های اینگلهارت، اینکلس و اسمیت و همچنین لرنر در مورد تأثیر سطح تحصیلات در نو شدن انسان‌ها همخوانی دارد. نظریه‌پردازان یادشده تحصیلات را از جمله عوامل تأثیرگذار بر نو شدن انسان‌ها و جوامع می‌دانستند و در مطالعات خود — به‌ویژه مطالعات لرنر در مورد شش کشور خاورمیانه از جمله ایران — به چنین تبیین علمی دست یافته بودند. آن‌ها معتقد بودند تحصیلات در کنار متغیرهایی چون رسانه‌های گروهی به متجدد و نو شدن انسان کمک می‌کنند. سطح تحصیلات با افزایش گستره شناخت انسانی به‌ویژه در مورد فرهنگ شهروندی، زمینه‌گروشی وی را به میثاق‌های اجتماعی و به‌ویژه قوانین موجود در جامعه، که تضمین‌کننده منافع عمومی

جامعه باشد، فراهم می‌سازد. یکی از فرضیه‌های اصلی دیدگاه اینگلهارت، جامعه‌پذیری است که از نظر وی شرایط جامعه‌پذیری فرد در دوران پیش از بلوغ بر نوع جهت‌گیری وی تأثیرگذار است. نتایج این مطالعه در مورد ارتباط معنی‌داری سطح تحصیلات با جهت‌گیری عام‌گرایانه/خاص‌گرایانه با فرضیه جامعه‌پذیری اینگلهارت هم‌خوانی دارد.

در میان رسانه‌های جمعی تنها اینترنت، دارای رابطه معنی‌دار با جهت‌گیری عام‌گرایانه پاسخ‌گویان می‌باشد. این وضعیت می‌تواند تا حدودی ناشی از شرایط کاربران اینترنت باشد که از سطح تحصیلات و همچنین پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری برخوردارند. در دیدگاه‌های لرنر و همچنین اینکلس و اسمیت بر نقش رسانه‌های جمعی در متجددشدن انسان و جامعه، تأکید شده بود. نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه که صرفاً این تأثیر را مرتبط با میزان استفاده از اینترنت می‌داند، چندان با دیدگاه‌های یادشده هم‌خوانی ندارد. این وضعیت می‌تواند ناشی از کیفیت رسانه‌ها و همچنین کیفیت استفاده از رسانه‌ها باشد. با وجود بالابودن میزان استفاده از رسانه‌هایی چون تلویزیون، رابطه معناداری بین استفاده از این رسانه‌ها و جهت‌گرایی عام‌گرایانه وجود نداشته است. این نتیجه می‌تواند نشانگر این باشد که فرهنگ رسانه‌ای هم از سوی ارائه‌کنندگان تولیدات رسانه‌ای و هم از سوی مخاطبان رسانه‌ها، از کیفیت و کارآمدی لازم برای توانمندسازی فرهنگی و جهت‌دهی افراد جامعه به سمت فرهنگ شهروندی و رفتارها و نگرش‌های توسعه‌مدار برخوردار نیست. ظرفیت رسانه‌های نوین همچون اینترنت به سبب فراگیری دسترسی و گوناگونی کاربری در جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، در شکل‌دهی به جهت‌گیری‌های فکری افراد تأثیر زیادی می‌تواند داشته باشد، که معنی‌داربودن ارتباط بین استفاده از اینترنت — از میان رسانه‌های جمعی — و جهت‌گیری عام‌گرایانه نشانگر این ظرفیت می‌باشد. این معناداری نیز می‌تواند از این جنبه مورد توجه قرار گیرد که در شرایط کنونی اینترنت مخاطبان خاص خود را دارد و هنوز مانند تلویزیون از استفاده فراگیری برخوردار نیست و این مخاطبان ویژه عموماً از سطح تحصیلات بالایی برخوردارند، ضمن اینکه اینترنت به لحاظ محتوایی از زمینه‌های گوناگون تأثیرگذاری — به‌ویژه ظرفیت چندرسانه‌ای — برخوردار است.

پایگاه اقتصادی و اجتماعی، که دربردارنده ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشند، بر نگرش عام‌گرایی افراد

تأثیرگذار بوده اند. با توجه به تفاوتی که بین میزان تأثیر متغیرهای اجتماعی و متغیرهای اقتصادی بر روی جهتگیری پاسخ گویان وجود داشته است، می‌توان نتیجه گرفت که معنی‌داری رابطه متغیر ترکیبی پایگاه اقتصادی و اجتماعی با جهتگیری عام‌گرایانه، بیشتر ناشی از متغیرهای اجتماعی همچون سطح تحصیلات فرد و والدین می‌باشد، زیرا متغیر درآمد به‌تنهایی رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته نداشته است.

نتایج مطالعه و مقایسه آن‌ها با مبانی نظری نشان می‌دهد در جامعه مورد مطالعه به‌عنوان یک اجتماع در حال گذار، که ترکیبی از ویژگی‌های سنتی و مدرن در آن وجود دارند و در زمینه‌های فرهنگی آن هنوز ویژگی‌های سنتی ارجحیت دارند، نوع جهتگیری‌ها به‌ویژه جهتگیری عام‌گرایانه/خاص‌گرایانه معطوف به سنت‌گرایی است. به بیان دیگر، اگر چه به لحاظ مادی و فناوری جامعه مورد مطالعه به سمت نوگرایی سوق یافته است، از نظر فرهنگی و غیرمادی هنوز سوگیری سنتی و نشانگانی از فرهنگ غیرتوسعه‌ای — به تعبیر هاریسون فرهنگ ایستا — در جامعه وجود دارد و جهتگیری‌های ارزشی و نگرشی تحت تأثیر این فرهنگ می‌باشد.

نکته پایانی این‌که بینش و نگرش افراد جامعه بیشتر متأثر از زمینه‌های جامعه‌پذیری (آموزشی و خانوادگی) است و نوع آموزه‌های آن‌ها می‌تواند در شکل‌دهی شخصیت اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار باشد، بنابراین توجه به این کانون‌های جامعه‌پذیری در مطالعات اجتماعی و تربیتی ضروری است.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (1384)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان، چاپ پنجم.
- اینگلهارت، رونالد (1373)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- کیویستو، پیتر (1380)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشرنی.
- مرکز آمار ایران (1376)، *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1375 شهرستان بویراحمد*، تهران: مرکز آمار ایران.
- معیدفر، سعید و سیدعلیرضا دربندی (1385)، «بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرانه شهروندان تهرانی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، پاییز 1385؛ 7(3): 34-58.

Alexander, J. C. (2001), "The binary discourse of civil society," In Seidman, S. and J. C. Alexander (eds.) *The New Social Theory Reader*, London: Routledge.

Gouveia, V. V. & Albuquerque, F. J. B. d. (2002), "Human values and social identities: A study in two

- collectivist cultures", *International Journal of Psychology*, 37(6), 333-342.
- Grondona, M. (2000), "A cultural typology of economic development." In L. E. Harrison and S. P. Huntington (Eds.), *Culture Matters: How Values Shape Human Progress?*, New York: Basic Books, pp. 44-59.
- Harrison, L. E. (2000), "Promoting progressive cultural change," In L. E. Harrison, and S. P. Huntington (Eds.), *Culture Matters: How Values Shape Human Progress*, New York: Basic Books, pp. 296-307.
- Inglehart, R. (1977), *The Silent Revolution*, Princeton: Princeton University Press.
- Inglehart, R. (1997), *Modernization and Post modernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies*, Princeton: Princeton University Press.
- Kaldi, A. (1992), *Modernization and Social Change in Iran: A Study of the Values of Tehran Sidents Who Have Studied Abroad*, Dublin: University of Ireland (PhD. Thesis in sociology), Cited in: Iranian Information and Documentation Center: Dissertation Abstracts of Iranian Graduates Abstract, Vol. 2, No. 2, summer 1996.
- Lin, N. (1976), *Foundations of Social Research*, New York: Mc Graw-Hill.
- Parsons, T. & Shils, E. A. (1962), "Values, motives and systems of action," (pp. 47-109), In Parsons, T. & Shils, E. A. (Eds.), *Toward a General Theory of Action*, Cambridge: Harward University Press.
- Platow, M. J. & Shave, R. (2001), "Social value orientations and the expression of achievement motivation", *The Journal of Social Psychology*, 135(1), 71-81.
- Struch, Naomi; Shalom H. Schwartz & Willem A. Van Der Kloot (2002), "Meanings of basic values for women and men: A cross-cultural analysis", *Personality and Social Psychology Bulletin*, Vol. 28, No. 1, January 2002, pp. 16-28.

اصغر میرفردی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج است.

a.mirfardi@gmail.com

بررسی رابطه بین میزان رعایت هنجارهای اجتماعی و...

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره 2

بررسی رابطه بین میزان رعایت هنجارهای اجتماعی و میزان رضایت شغلی

(مطالعه موردی: معلمان شهر مشهد)

مسعود حاجی‌زاده میمندی، اکبر زارع شاه‌آبادی، محمود لعل‌سجادی